

بررسی نماد گاو یکتا آفریده و ماهیت سیاوش در شاهنامه و انعکاس آن در سنگ برجسته های تخت جمشید

پیمان آقابگی پور^۱

داریوش کاظمی^{*۲}

مریم شایگان^۳

چکیده

اساطیر نشان‌دهنده فرهنگ و نحوه تفکر مردمان در دوران‌های کهن است؛ زبان گویای تاریخی است از دورانهای پیش تاریخی؛ سخنگوی بازمانده‌های گرانبهایی است که از دل خاکها بیرون کشیده می‌شود یا در دل سنگها و کوهها یافت می‌گردد. اساطیر نماینده تداوم زندگی فرهنگی یک ملت و به نوعی تاریخ آن است (آموزگار، ۱۳۸۸: ۱). شاعران و نویسندگان، اسطوره‌ها و باورهای کهن اقوام خود را پرورانده و آثار ایشان پیوندی تنگاتنگ با اسطوره‌ها دارد. گاو یکتا آفریده در کیهان‌شناسی زرتشتی، نام نخستین گاو آفریده شده و یکی از شش آفرینش ازلی اهورامزدا در جهان مادی و پدر اساطیری همه حیوانات سودبخش است. این گاو در افسانه آفرینش کشته می‌شود و از اندام و چهره او جهان دوباره پر از جانداران می‌شود. آن گونه که سیاوش نیز شخصیت مثبتی است، روح آزاده و جوانمردی دارد و مظلوم و بی‌گناه می‌میرد. از خون او گیاه مقدس خون سیاوشان می‌روید که با رویش و زایش ارتباط دارد. در پهنه گسترده ایران نقوش برجسته، سنگ‌برجسته و سنگ‌نگاره در کنار ادبیات برای حفظ اساطیر قدمت زیادی دارد. بر همین اساس در تخت جمشید نیز از سنگ‌برجسته‌های بسیاری استفاده شده است. نماد گاو در نقوش برجسته تخت جمشید به وفور و با معانی مختلف به کار رفته است. معنای نهفته در لایه‌های ژرف‌تر سنگ‌برجسته‌ها و تطبیق آن با موارد مشابه در ادبیات می‌تواند تصویر درست‌تری از باورهای اسطوره‌ای و فرهنگی ایران زمین باشد.

اهداف پژوهش

- ۱- بررسی اسطوره گاو یکتا نخستین آفریده و داستان سیاوش در شاهنامه از اهداف این پژوهش است.
- ۲- از دیگر اهداف این پژوهش انعکاس اساطیر در نقوش برجسته تخت جمشید و شاهنامه فردوسی است.

پرسش‌های پژوهش

- ۱- اسطوره گاو یکتا نخستین آفریده چه کارکردی در نقش سیاوش در شاهنامه فردوسی و نقوش برجسته تخت جمشید داشته است؟
 - ۲- گاو یکتا آفریده در قالب شخصیت سیاوش چه مفاهیمی را به مخاطب القاء می‌نماید؟
- واژگان کلیدی:** اسطوره، گاو یکتا آفریده، سیاوش، شعر، نقوش برجسته تخت جمشید.

مقدمه

^۱ دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان، ایران. peyman.aghabeigyipoor@yahoo.com

^{*۲} (نویسنده مسئول) استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان، ایران. d.kazemi@gmail.com

^۳ استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان، ایران. m.shaygan@gmail.com

اساطیر هر قومی پای در نگرش و اندیشه‌های آغازین آنها در مورد آفرینش و دنیای هستی دارد. زمانی که هنوز علم و دانش و تحقیقات بشر آغاز نشده و انسان نخستین برای چون و چراهای خود باید ذهن مشوش و پر آشوب خود را به گونه‌ای آرام می‌کرد. تنها راهی که با آن می‌توانست از وحشت و فکر مرگ خود را نجات دهد، روی آوردن به یک قدرت ماورایی و اساطیری بود. درباره معنا و ریشه اسطوره، سخنان فراوانی بیان شده، فرهنگ‌نویسان تازی، اسطوره را واژه‌ای تازی دانسته بر وزن «افعولۀ» به معنای افسانه‌ها و سخنان بی‌بنیاد و شگفت‌آور که به نگارش در آمده باشند (کزازی، ۱۳۷۲: ۱). اسطوره، روایتی است که واقعیتی اصیل را زنده کرده و برآورنده نیاز عمیق دینی است و یک عنصر اساسی تمدن انسانی بوده و به هیچ وجه افسانه‌سازی و قصه‌پردازی بیهوده نیست (معصومی، ۱۳۸۸: ۱۹). اسطوره‌های هر ملت یادگار ذهن‌های هنری، خلاق و شاعرانه‌ای است که در طول زمان، با نیروی خلاق خیال خود، هر یک از جوانب حیات انسانی را به رمزی شاعرانه بدل کرده‌اند؛ آرزوهایی که بشر در طول تاریخ داشته، در خلال این اسطوره‌ها تعبیرهایی شاعرانه یافته و نسل به نسل روایت شده است و با گذشت روزگار، در هاله خیال شاعرانه نسل‌های مختلف متبلور شده است. در این بین، اسطوره و حماسه ارتباطی تنگاتنگ و بنیادین با هم دارند. حماسه، زاییده اسطوره است و اسطوره به مامی پرورنده می‌ماند که حماسه را می‌زاید و آن را در دامان خویش می‌پرورد و می‌بالاند. حماسه راستین و بنیادین جز از دل اسطوره بر نمی‌تواند آمد. تنها در فرهنگ و ادب مردمانی پدید می‌آید که دارای تاریخ کهن و اسطوره‌ای دیرینه‌اند (کزازی، ۱۳۷۲: ۵۸). بنابراین، اسطوره خاستگاه و زهدان حماسه است و برای شناخت حماسه، ابتدا باید با اسطوره آشنا بود. برخی از اندیشه‌های مهرپرستی و آئین عشق ایران باستان در شاهنامه نیز نفوذ کرده است. اغلب توت‌ها و موارد طبیعی و ماوراطبیعی که در اساطیر ملی ایران و جهان وجود دارد، در شاهنامه نمود عینی و شخصیت‌های انسانی و ملموس به خود می‌گیرند (شاله، ۱۳۴۶: ۱۲). گاو یکتا آفریده به عنوان پنجمین آفریده اورمزد یاد شده است (فرنبرگ دادگی، ۱۳۶۹: ۴۰). این گاو در حمله اهریمن به جهان اورمزدی کشته شد و نطفه‌اش به ماه رفت و پس از آن که در نور ماه پالوده شد، گونه‌های مختلف جانوران از آن پدید آمدند (سرخوش کرتیس، ۱۳۷۳: ۲۰). گاو یکتا آفریده نخستین نیز از دیگر موارد یاد شده است که هنگامی وارد متون ایرانی و شاهنامه می‌شود شخصیت انسانی و واقعی به خود می‌گیرد اما باطن و بن‌مایه‌های اصلی خود را حفظ می‌کند و به شکل سیاوش ظاهر می‌شود. او نیز دقیقاً مانند گاو یکتا آفریده خاصیت نباتی و خلق دنیای گیاهی را هنوز با خود به همراه دارد. علاوه بر این در دنیای اساطیری کهن گاو یکتا آفریده در واقع نخستین موجودی بود که توسط اهورامزدا آفریده شده بود. یکی از اصلی‌ترین آئین مهر اوستایی قربانی کردن گاو یکتا آفریده بوده است که به طور مظلومانه در دخمه ایزد مهر به فرمان خورشید قربانی گشت. این جلوه نمادین گاو یکتا آفریده را می‌توان در داستان سیاوش شاهنامه نیز مشاهده کرد. همانگونه که سیاوش برخلاف جوانمردی و خوبی هایش به طور مظلومانه‌ای قربانی می‌گردد.

کشور ایران یکی از کشورهای اساطیری است که دارای آثار کهن بسیاری از جمله تخت جمشید است. فرهنگ اسطوره‌ای و نمادین کهن ایرانیان علاوه بر آثار تاریخی و باستان‌شناسی در آثار هنری و ادبیات آن‌ها از جمله شاهنامه فردوسی نیز نمود پیدا می‌کند (Brosius, ۲۰۰۶: ۲۳). درباره‌ی اسطوره و کهن‌الگوهای آن چه از لحاظ نظری و چه از نظر کاربردی در زبان‌های مختلف کتاب‌ها، مجلات و مقالات و پایان‌نامه‌های متعددی نوشته شده است. اصولی که در این رویکرد ارائه شده، با علایق محققان در سراسر جهان پیوند خورده و به همین سبب تعداد فزاینده‌ای از این

تحقیقات درباره‌ی مسائل اسطوره‌شناختی منتشر می‌شود. این تحقیقات شامل رساله‌های دانشگاهی، مجلات ویژه‌ی این رویکرد و مجموعه‌های پژوهشی در این زمینه است. حال به بررسی مقالات و پایان‌نامه‌هایی که در این باره نوشته شده‌اند، خواهیم پرداخت. مقالاتی که از جنبه تحلیلی به اسطوره گاو یکتا آفریده و دیگر اساطیر شاهنامه فردوسی نگاشته شده است به شرح ذیل است: مقاله‌ای با موضوع «بررسی الگویی پری‌گونگی و نخستین انسان در شخصیت سیاوش» از ابراهیم کنعانی که در آن بیشتر به شخصیت پری‌گونه سیاوش توجه شده است. در این پژوهش نویسنده به اغلب پیشینه‌هایی که در مورد سیاوش انجام گرفته است، اشاره می‌کند. پژوهشگرانی که پیرامون شخصیت و داستان سیاوش پژوهش‌هایی انجام داده‌اند، اغلب به صورت کلی و گذرا به آن توجه کرده‌اند و یا کمتر به تحلیل شخصیت او پرداخته‌اند. در گزارش داستان سیاوش از شاهنامه فردوسی (حقی، ۱۳۷۵) نویسنده به گزارش داستان او و به نثر در آوردن آن بسنده کرده است. در هنر داستان پردازی فردوسی در داستان سیاوش (جعفری، ۱۳۷۸) نویسنده، آن را از منظر عناصر داستانی بررسی کرده است. در «سیاوش در ادب فارسی تا قرن هفتم» از (علامی و شکیبی ممتاز، ۱۳۸۶: ۱۰۷-۲۴) گردآورندگان به تبیین جایگاه او در تاریخ و ادبیات فارسی پرداخته‌اند. در «روان انسانی در حماسه‌های ایرانی» (اکبری مفاخر(الف)، ۱۳۸۴) و «سیاوش و شاه: شهریارآرامی و آرمانشهر» (اکبری مفاخر، ۱۳۸۵: ۴۲-۳۴) نویسنده جنبه شهریار و پاره‌ای از نمودهای شخصیتی او را بررسی کرده و در «سودابه ایرانی با دو جلوه اهورایی و اهریمنی در برابر سیاوش» (اکبری مفاخر(الف)، ۱۳۸۴) نویسنده به ترسیم چهره سودابه در برابر سیاوش پرداخته است. پژوهشگران دیگر در «شاهنامه و موضوع نخستین انسان» (خالقی مطلق، ۱۳۷۲: ۹۹-۱۰۴) و فرضیه‌هایی درباره مادر سیاوش» (آیدنلو، ۱۳۸۴: ۴۶-۲۷) فرضیاتی درباره سیاوش و مادر او مطرح کرده‌اند (کنعانی، ۱۳۹۲، ۲۱۸). شایان ذکر است براساس تحقیقاتی که در پایگاه‌های اینترنتی و ایران داک صورت پذیرفت تاکنون پژوهش مستقلی در این موضوع نشده است و نگارندگان برای نخستین بار به پژوهش در این باره می‌پردازند.

اسطوره گاو یکتا آفریده نخستین

همانطور که گفته شد برخی از اندیشه‌های مهرپرستی باستانی ایران در شاهنامه فردوسی نیز، وارد شده است. این آیین تحت تأثیر دیگر ادیان در آسیای مقدم بوجود آمد و در زمان خود گسترش و نفوذ بسیاری در بین مردم دنیا پیدا کرد. به گونه‌ای که به اغلب اروپا نیز وارد شد و از مقبولیت خاصی برخوردار شد. گاو یکتا آفریده نخستین نیز، از همین مواردی است که در اساطیر کهن ایران باستان دارای قداست ویژه‌ای است. آیین مهر شکل خاصی از آیین مزدیسنی تحت تأثیر دین‌های دیگر آسیای مقدم است. این آیین که در امپراطوری روم گسترش یافته بود، در سده‌های نخستین میلادی در اروپا به چنان درجه‌ای از مقبولیت رسید که مدت زمانی این تردید را به وجود آورد که از میان این دو آیین مهر و مسیحیت، پیروزی با کدام است. مهرپرستی اثراتی از افسانه ایران باستان را در مورد گاو نخستین حفظ کرده است. در حالی که گول اولیه محو شده یا بهتر بگوییم در شخصیت میترا (مهر) تحلیل رفته است. شخصیت گاو نیز تحت تأثیر اندیشه‌ای که در آسیای مقدم درباره گاونرواحشی به عنوان اولین حیوان رواج داشت، تغییر یافته بود. او دیگر موجودی آرام و بیگناه و نخستین پدر حیوانات مفید که اهریمن؛ کینه‌جویانه در تعقیب اوست، نیست. بلکه نماینده نیروی حیوانی رام نشدنی است که نخستین خدا از میان خدایان با او نبرد می‌کند و او را می‌کشد اما همچنان اولین مخلوق است و موجودی است که از بدن او گیاهان و بخصوص گندم می‌روید. آنگاه پس از کشته شدن گاو توسط

ایزدمهر، معجزه‌های عجیب اتفاق افتاد: از بدن قربانی در حال مرگ همه سبزی‌ها و گیاهان سودمند به وجود آمد و زمین از سبزه پوشیده شد. از مغز حرام او گندم روید که به مصرف غذا می‌رسد و از خون او رز روید نوشیدنی مقدس رازها از آن به دست می‌آید. از نطفه گاو که ماه آن را پذیرفته و پالوده بود، همه انواع حیوانات مفید به وجود آمد و روان او که سگ همراه باوفای مهر آن را محافظت می‌کرد، تا سپهر برین صعود کرد و در آنجا ربوبیت یافت و نام سیلون نگاه‌دارنده رمه‌ها را به خود گرفت. بدین ترتیب قهرمان گاوکش با اجرای قربانی که بر آن گردن نهاد، آفریدگار همه موجودات نیکوکار شد و از مرگی که باعث آن شده بود، یک زندگی تازه و غنی و زیباتری به وجود آمد (کریستین‌سن، ۱۳۹۳، ۱۲۵-۱۲۷).

نماد اسطوره ای گاو در نقوش برجسته و آثار باستانی کهن در تمام نقاط دنیا وجود داشته و در نقش آفرینی این آثار به کار گرفته شده است (Campbell, ۲۰۱۷: ۳۳). ترکیب نمادها در آثار کهن همیشه معنای خاصی داشته است. گاو یکی از قدیمی ترین نمادهای اساطیری جهان است (Hall, ۱۹۹۶: ۱۰۰) و احتمالاً به قدمت نقوش الهه بزرگ عصر حجر، همچنین می توان آن را در فرهنگ های بی شماری در سیر تحولی تاریخی دخیل دانست. نماد گاو در دوره‌های تاریخی از فرهنگی به فرهنگ دیگر منتقل می شده و هر گروه جدید این سمبل را با تأکید خاص خود بیان می کردند (Moradi & Khorramshad, ۲۰۱۷: ۶۷۸; Rostami, ۲۰۱۶: ۱۰۸۹; Curtis & Nigel, ۲۰۰۵: ۱۵۶). گاو عنصر نمادین با پیچیدگی و گستردگی معنایی بسیاری در نقوش برجسته کهن از جمله مصر، یونان و کشور ایران به وفور به کار رفته است. اسطوره «گاو یکتا آفریده»^۴ از آفرینش های ازلی اهورامزدا بوده و نماد اساطیری موجودات سود بخش می باشد (Sathe, ۲۰۱۲: ۷۷).

در اسطوره ی آفرینش جهان، به اعتقاد ایرانیان باستان، نخستین حیوان جهان "گاو یکتا آفریده" رنگش سفید و مثل ماه تابان بود. به موجب روایت زرتشتی، این گاو به وسیله ی اهریمن، روح شرور، کشته می شود و نطفه اش به ماه می رود، هنگامی که این نطفه کاملاً پاکیزه شد، گونه های مختلف حیوانات از آن پدید آمدند. همچنین، از قسمتی از آن که بر زمین ریخت، گیاهان متعدد رست. (کرتیس، ۱۳۸۱: ۱۱ و ۲۰)

از این روست که؛ "گاو در اساطیر ایران نماد ماه شناخته می شود. (عطایی، ۱۳۷۰: ۲۴ و ۱۱۸) این موجود نمادین در آثار باستانی، شعر و کتب مقدس نیز به آن اشاره شده است. همچنین یکی از مشهورترین نقوش موجود در تخت جمشید، وجود گاو است. این نماد به عنوان زمستان نیز به کار گرفته شده و بارها در نقوش تخت جمشید در مقابل شیر (نماد زمستان) قرار می گیرد (Dadvar Rouzbahani, ۲۰۱۶: ۱۲۷). سومری ها از گاو به عنوان همسر الهه اینانا معدل بایلی الهه ایشتار یاد کرده اند (Cereti, ۲۰۱۵: ۱۴۴). حتی در زبان اوستایی گاو یکتا آفریده نخستین اینگونه معرفی می گردد: «آنگرا مانیو گاو نخستینی است که بذر او توسط ماه نجات یافته است (اوستان: مونگها، ماه) و سمبلی است که قربانی بقیه حیوانات می گردد» (McInerney, ۲۰۱۰: ۱۴۰). در باورهای اساطیری از جمله ایرانیان باستان، جانوران یا حیوانی اند یا نباتی. اینان با هدفی ویژه خلقت شده و تابعی از کشاکش و نبردهای دو نیروی خوبی و بدی هستند. گاو یکتا آفریده نیز یکی از جانوران اساطیری است که در واقع نامی است برای نخستین

^۴ Gavaevodata

گاو که این گاو پدر تمام جانوران سودمند بوده است (Silko, ۲۰۰۶: ۱۳۲). علاوه بر این اشاره شده است که آفرینش گاو یکتا آفریده، از طریق شرکت تعدادی از ایزدان می باشد و گاو یکتا آفریده همراه با مرد یکتا آفریده، کیومرث، زاده شد و پس از آن این دو (گاو یکتا آفریده و کیومرث) منشاء ازلی تمام جانوران ایزدی به شمار می روند. گاو یکتا آفریده نخستین، همانند تمامی آفریدگان اهورامزدا، با اهریمن در نبرد بوده است. از آنجائی که نخستین آفریدگان با اهریمن ده نبرد داشته اند، پنجمین نبرد متعلق به گاو یکتا آفریده بوده است. کشته شده گاو یکتا آفریده و رفتنش به ماه در واقع نمادی از جوانمردی و روشنگری اوست که منجر به رسیدن به تکامل دیگری (کیومرث) شد. گاو اساطیری نخستین، موجودی سودرسان بوده که در نهایت برای ادامه حیات بشری قربانی میشود و با مرگش حیات و دگرگونی آغاز می گردد. حتی در آثار باستان شناسی ایرلند نیز از آن به عنوان منبعی سودآور استفاده می شود (Sherwood, ۲۰۰۹: ۳۶) که می تواند به تمامی موجودات در اطراف خود سود رساننده و خود را قربانی دیگری نماید. گاو یکتا آفریده یا گاو اساطیری موجودی است مقدس که در تمامی ملل کهن به طور مظلومانه ای خود را برای ارتقای دیگر موجودات قربانی می کند (Silko, ۲۰۰۶: ۱۳۰). این موجود نماد جوانمردی و فداکاری است همانطور که سیاوش در شاهنامه نماد جوانمردی، سخاوت و فداکاری بوده و بیگناه قربانی می گردد. بنابراین از این منظر می توان شخصیت سیاوش در شاهنامه را تطبیقی بر نماد اساطیری گاو یکتا آفریده نخستین دانست.

در آثار کهن ایرانی از جمله تخت جمشید از طبیعت و عناصر آن از جمله حیوانات بیشمار استفاده شده است. طبیعت همواره عنصر مهمی از اسطوره ها و مذاهب بوده و جایگاه متفاوتی در درون خود داشته، ایدئولوژی ها از آنجا که عوامل مختلفی در ایجاد اسطوره ها نقش داشته اند (Rose, ۲۰۱۹: ۳۰). یکی از باورهای عامه در میان ایرانیان باستان این بود که تمامی تغییرات و عالم هستی بر اساس کنش میان دو نیروی خوبی و بدی است. در این راستا آن ها پیدایش جانوران را جلوه ای از خواست اهورامزدا میدانستند که در واقع آفرینش آنها زمینه را برای ساختن و تکامل جهانی روشن، آرام و سودمند فراهم می نمود (Ibid: ۳۵). حیوانات از جمله گاو در خلق اسطوره های ایرانی نقش به سزایی داشته اند. به طور کلی ساختار اسطوره ایرانی به بهترین شکل ممکن درگیری های میان انسان و درگیری نیروهای موجود در جهان همانند درگیری بین نیروهای خوب و بد را بیان می کنند. عناصر طبیعی نقش مهمی در اسطوره ایرانی دارند. اسطوره ها نه تنها افسانه ها را نشان می دهند، بلکه بیانگر حقایق تاریخی هستند. این اسطوره های نمادین را می توان در جای جای شاهنامه فردوسی مشاهده نمود.

شخصیت سیاوش

در پژوهش هایی که به صورت تطبیقی در ادبیات فارسی انجام می شود نیز به شباهت اسطوره سیاوش با خدایان قربانی شونده نخستین در اساطیر، اشاره می کنند که در حقیقت با رویش و زایش مرتبط هستند و مضمون اصلی آنها تکرار زندگی و مرگ و چرخه حیات را خاطر نشان می شود. اسطوره سیاوش بسیار کهن سال است و از دیدگاه اسطوره شناسی تطبیقی با خدایان شهید شونده همچون تموز یا دوموزی خدای بابلی و اوزیریس مصری و آدونیس فنیقی و یونانی قابل مقایسه است. خدایان شهید شونده، خدایان گیاهی عصر کشاورزی هستند و با رویش و زایش ارتباط داشته، مضمون اصلی اساطیر و افسانه های مرتبط با آنها، تناوب مرگ و زندگی دوباره (رستاخیز) و چرخه بی توقف تجدید تسلسلی حیات است، که هر ساله با جشن و سوگ برگزار می شده است (فاطمه اکبری، ۱۳۹۲: ۲۱). سیاوش در شاهنامه

و متون پهلوانی جانشین ایزدان و یا همان گاو قربانی یکتا آفریده اساطیر کهن می‌شود. همانطور که اغلب ایزدان باستانی با گذشت زمان و جابجایی اساطیر سنتی در شکل جدیدی، جایگاه خود را به پهلوانان و انسان‌ها داده‌اند. حماسه ملی ایران بر سرگذشت انسان و ستایش پهلوانان استوار شده که در اثر تحول، هماهنگ شدن و جابجایی اساطیر کهن در شکل تازه خود، انسان جایگزین ایزدان شده است (سرکاراتی، ۱۳۸۵: ۹۶). سیاوش نیز از جمله ایزدانی است که در اثر جابجایی که در بالا گفته شد، از جایگاه و مقام ایزدی و مینوی، به جهان حماسه و دنیای فرودین تنزل کرده است تا بتواند نقش نباتی و خدا گیاهی خود را ایفا کند. سیاوش دارای فرّه ایزدی است که خود این نیرو در افراد معمولی قرار ندارد و بر طبق اعتقاد بشر گذشته این فرّه به کسی تعلق می‌گیرد که از همه حیث شایستگی آن را داشته باشد که در نهایت این نیرو او را سزاوار پادشاهی می‌کند. کسی که نیروی ایزدی و فرّه پادشاهی در او مشاهده نمی‌شد و از وارثان شاهنشاهی نبود، مردم پادشاهی او را به رسمیت نمی‌شناختند. این فرّه به صورت موروثی از پادشاهی به پادشاه دیگر منتقل می‌شد. این فرّه ایزدی نیز از دنیای خدایان اولیه به جهان انسانها و نمونه‌های خدایی بشر منتقل شده است. فرّه ایزدی، نیروی کیهانی و ایزدی است که به واسطه خویشکاری، از جهان خدایان به انسان برگزیده منتقل می‌شود (زمرّدی، ۱۳۸۵، ۳۳۹).

در شاهنامه، سیاوش از فرّه ایزدی خود سخن می‌گوید و به خداگونگی خود که از آفرینش و فرّه الهی است، به سودابه اشاره می‌کند:

مرا آفریننده از فرخویش
چنان آفرید، ای نگارین ز پیش
تو این راز مگشای و با کس مگوی
مرا جز نهفتن، همان نیست روی

(همان، ۹/۲۰۹-۲۹۸)

بزرگان ایران نیز در پاسخ به رستم، سیاوش را به دلیل داشتن فرّه ایزدی و مهرخدایی او را پیرو فریدون و منوچهر می‌دانند و همگی برآنند که اغلب ابهت و زیبایی اندام سیاوش به دلیل برخورداری از فرّه ایزدی می‌باشد. در عنفوان جوانی فرّه ایزدی، شکوه خاصی به اندام ورزیده و چهره زیبای سیاوش داده بود (صداقت نژاد، ۱۳۷۴: ۵۳۵). شعر به‌عنوان یکی از دو رکن اصلی ادبیات، همواره مورد توجه و اهتمام ملت‌ها بوده و هست. ویژگی‌هایی همچون وزن، قافیه، خیال و عاطفه از شعر کلامی منحصر به فرد می‌سازد. و آن را پیچیده تر و پر رمز و رازتر از نثر قرار می‌دهد. از آن جا که هدف شعر تاثیرگذاری بر احساسات و عواطف مخاطب است؛ هم در شکل و هم در محتوا با کلام عادی تفاوت دارد. در واقع شاعر واقعیت‌ها را نه آن گونه که هستند، بلکه آن گونه که احساس می‌کند بیان می‌دارد. شاعر که به باز آفرینی اساطیر می‌پردازد و درون مایه‌های رهایی بخشی و زاینده آن را با نیاز جامعه اش مطابقت می‌دهد، همان شاعریست که در بازسازی مجدد یک اسطوره به اهداف واقعی خود نایل شده و آن را با اندیشه‌ها و آرزوهای جامعه اش منطبق داده‌است. امروزه اسطوره، نشانگر تلاش انسان باستان در تفسیر کلامی هستی و پدیده‌های موجود در آنها و ارتباط انسان، با آنها بوده است (خورشید، ۲۰۰۲: ۲۰). اسطوره‌ها بخشی از فرهنگ و تاریخ مشترک هر قومی است و در میان ملل مختلف جهان از اهمیت خاصی برخوردار است. اسطوره در عادی‌ترین معنای خود، داستانی است درباره یک خدا یا یک موجود ماوراء الطبیعی دیگر و گاه موضوع آن انسانی خداگونه یا فرمانروایی است که تباری

ملکوتی دارد. مجموعه ای از اسطوره های سنتی یک فرهنگ خاص، اساطیر آن فرهنگ را می‌سازند. این اساطیر توصیف‌ها و تبیین‌هایی درباره‌ی منشأ جهان به دست می‌دهند که چرا جهان دگرگون شده و چرا برخی وقایع رخ داده‌اند. هر اسطوره ای کارکرد بیانی خود را با ارجاع به خدایان و سایر موجودات ماوراء الطبیعی انجام می‌دهد (مکاریک، ۱۳۸۵: ۳۴). اسطوره گاو یکتا آفریده نخستین و خون سیاوشان در شاهنامه با بسامد بسیار زیاد انعکاس یافته است که در ادامه به بررسی آن پرداخته شده‌است.

خون سیاوش انگاره از خون گاو یکتا آفریده

سیاوش در فرهنگ عامه ایرانیان از قداست و ویژه‌ای برخوردار است. عزاداری‌هایی که برای این شاهزاده از گذشته تاکنون در برخی از نقاط ایران شده‌است و تمامی شواهد مقدس بودن او، حکایت از شخصیت ایزدی و خداگونگی این شاهزاده دارد که به نوعی جانشین گاو یکتا آفریده نخستین و به نوعی ایزد فدا شونده یا خدای شهید شونده این اسطوره شده است. این نگرش‌ها به قدری قدرت گرفته‌اند که حتی در متون تاریخی هم وارد شده‌اند. در زیر به چند نمونه از آن اشاره می‌شود. با مرگ او بادی تند برخاست و غباری ستبر برانگیخت. تاریکی همه جا را فرا گرفت (ثعالبی، ۱۳۶۸، ۱۳۹). همراهی حوادث و بلاهای طبیعی پس از مرگ سیاوش در فرهنگ عامه نیز وارد شده است. خون آن را در چاهی فروریختند که تو گویی قیامت کرد؛ یک مرتبه دیدند هوا تیره و تار شد. یک طوفان برخاست که تمام افراد از اسب به زیر افتادند و ساعتی بعد طوفان برطرف شد (انجوی شیرازی، ۱۳۶۳، ۲۸۳). در فرهنگ ایرانیان سوگند خوردن به سیاوش و روان او هم بیانگر قداست و ایزدگونگی این شخصیت می‌باشد. یکی دیگر از نشانه‌های قدسی و آیینی بودن شخصیت سیاوش، مقام والای او و سوگند یادکردن به نام و یاد سیاوش است. مطابق روایت شاهنامه، سوگند یاد کردن به خاک سیاوش شایسته است؛ به طوری که رستم در خطاب به ایرانیان برای کین خواهی او، به خاک سیاوش سوگند یاد می‌کند و آن را در ردیف سوگند به خدا، شاه و خورشید و ماه می‌آورد:

به جان و سر شاه و خورشید و ماه
به یزدان دادار جان آفرین
به خاک سیاوش به ایران سپاه
که پیروزی آورد بر دشت کین

(کنعانی، ۱۳۹۲، ۲۳۰-۲۲۹)

هنگامی که فردوسی می‌گوید ضحاک گاو بر مایه را می‌کشد، به نظر می‌رسد که یعنی خاندان پدری او را نابود می‌کند، زیرا گاو توتّم خانوادگی فریدون محسوب می‌شود. حتی هنگامی که فریدون برای نابودی ضحاک اقدام می‌کند، گرز قدرتمند او که با او بر سر ضحاک می‌کوبد، گاوسار است یعنی بر سر گرز او سر گاو است که خود بیانگر اهمّیت این حیوان سمبلیک مقدس برای این خاندان می‌باشد. ضحاک کشنده آبتین (پدر فریدون) و گاو برمایه (دایه و توتّم خانوادگی او) بوده‌است و فریدون به تاوان این جنایت او را می‌کشد و همسرانش را که دختران جمشیدند، آزاد می‌کند. با توجه به اینکه اژدهاک اوستایی از تجلیات ابرهای سیاه طوفانزاست و گاو، نمادی از ابرهای زیای باران زاست (کارنوی، ۱۳۴۱، ص ۸۵). بنابراین گاو سمبل ابرهای باران زاست و همانطور که قبلاً در بحث مربوط به سیاوش گفته شد، سیاوش نیز، سمبل خدای باران و ایزد آنها محسوب می‌گردید که یکی بودن این دو جاندار مقدس را نیرو می‌بخشد.

الگوی اسطوره خیزش و باروری

الگوی باروری به اندیشه حیات ادواری و از سر گرفتن زندگی اشاره دارد و مبنای آن قربانی شدن یک ایزد یا ایزدبانو، یک شخص یا یک حیوان برای حیات بخشیدن به موجودی دیگر است. لارنس کوپ (Laurence coupe)، این الگو را ترجمان الگوهای آفرینش و قهرمان می‌داند و در توضیح آن می‌گوید: «در برخی روایات اسطوره‌ای می‌بینیم که یک قهرمان بعد از مرگ دوباره زنده می‌شود» (کوپ، ۱۳۸۴: ۵۷). میرچا الیاده (mircea eliade) اسطوره آفرینش را اصل همه اسطوره‌ها می‌داند. اما جیمز فریزر (frazer games) اسطوره باروری را کلید همه نظام‌های اسطوره‌ای می‌داند. کشته شدن گاو که در حقیقت موجب آغاز زندگی و پیدایش حیات در زمین شد، و اغلب اسطوره شناسان آن را تصویری نمادین از غلبه‌ی بهار رویش، تحرک، نشاط و زندگی، بر زمستان رخوت، سکون و مرگ در ذهن خلاق و خیال‌پرداز انسان نخستین دانسته‌اند، در سایر آیین‌های کهن ایرانی و برخی اقوام مجاور نیز با تفاوت‌هایی دیده می‌شود. سوگواری و عزاداری برای سیاوش در ایران قدمت دیرینه دارد. مثلاً باستان شناسان سنگ‌نگاره‌هایی به دست آوردند که سوگواری برای سیاوش را به سه هزار قبل می‌رساند که این خود بیشتر از قبل سیاوش را به خداگونگی و گاو یکتا آفریده‌ی نخستین نزدیک می‌کند. با مرگ سیاوش از وجود او شاخ و برگ‌ی به وجود می‌آید که گویا بازتاب‌کننده گاو یکتا آفریده‌ی نخستین و انگاره‌های معنایی آن است:

ازین گونه شاخی برآورد سخت	کزان بیخ بر کنده فرخ درخت
روان سیاوش پر از نور باد	ز شاه کیان، چشم بد دور باد
گیا بر چمنش سرو آزاد شد	همه خاک آن شارسرستان شاد شد
به ابر اندر آمد درختی ز گرد	ز خاکی که خون سیاوش بخورد
همی بوی مشک آمد از مهر او	نگاریده بر برگ‌ها چهر او
پرس‌تاشگه سوگواران بدی	به دی مه نشان بهاران بدی

(فردوسی، ج ۳: ۸)

همسانی میان کارکرد سیاوش به عنوان میانجی صلح ایران و توران و ظاهر شدن گاو سخنگو در نوشته‌های پهلوی در این نقش و توصیف غم‌انگیز شیوه کشته شدن او به صورت «بیکین و خاموش» در مقایسه با یک حیوان قربانی مانند گوسفند یا مرغ و سرانجام کشتن خروسی به یاد سیاوش در شب نوروز، همه قرینه‌های برنقش توتمیک سیاوش در ساخت اسطوره است.

کشته شدن سیاوش و گاو یکتا آفریده

در متون اساطیری به نظر می‌رسد که ابتدا نقش گاو یکتا آفریده‌ی قربانی را به کیومرث واگذار کرده‌اند و پس از مدتی این نقش را به سیاوش منتقل کرده‌اند. اما سیاوش خیلی بیشتر از فریدون بن مایه‌های این نقش اولیه خود را حفظ کرده است. در اساطیر کهن ابتدا نقش‌های اولیه را خدایان و حیوانات بر عهده داشتند و در متون پهلوانی و متأخرتر، این نقشها را انسانهای نخستین بر عهده می‌گیرند و همان طور که در ابتدای این پژوهش گفته شد، اسطوره‌ها به دلیل

قدمت زمان و آشفتگی آنها دگرگون شده‌اند و گاهی با تاریخ آمیخته شده‌اند. از نظرگاه ادبی نیز اسطوره، گزارشی آشفته دربارهٔ جهانی فراتر از آزمودگی‌های زندگی انسان است و تلاشی که برای هماهنگ ساختن آنها با دنیای خارج انجام می‌گیرد، سبب جابجایی اسطوره‌ها می‌گردد. یکی از این اسطوره‌ها که در اثر جابجایی اساطیری، شکل خاصی به خود می‌گیرد و در ارتباط با نخستین انسان مطرح می‌شود، اسطوره قربانی کردن گاو یکتای بندهشنی و یکی از مسائل مرتبط با این موضوع، مسألهٔ نخستین انسان و شباهت کیومرث و سیاوش از این منظر است (کنعانی، ۱۳۹۲، ۲۳۷).

بن‌مایه‌های مشترکی که در اسطوره‌های مربوط به نخستین انسان وجود دارد، بحث قربانی و گیاه تباری آن است و یکی از بزرگترین نشانه‌هایی که نخستین انسان بودن سیاوش را تأیید می‌کند. بن‌مایهٔ روییدن گیاه از انسان یا به تعبیری جانگرایی گیاهی و در نگاهی دیگر پیکر گردانی است. الگوی اساطیری این بن‌مایه، اسطورهٔ بندهشنی ریباس از آب پشت کیومرث است که با گیاه تباری انسان نخستین در اسطوره و به تبع آن، جنبهٔ توتیمیک گیاه در معتقدات باستانی ارتباط پیدا می‌کند. تجلّی روح آدمی در گیاه، براساس باور فرقهٔ «تناسخیه» نیز، سایه‌ای از همین نگرهٔ اسطوره‌ای است. بنابر روایت شاهنامه، اعتقاد سودابه دربارهٔ پری‌گونگی سیاوش، رفتار آیینی و پرستش‌گونگی پردهگان، اشارهٔ خود او به رازوارگی ایزد گیاهی‌اش با به نمایش گذاشتن پیوند با خاک و درخواستش از خدا برای پدید آمدن درختی نورانی از تخم او، تأکید افراسیاب بر نریختن خون او بر زمین به دلیل ترس از رستن «گیاه کین خواهی» و پشتیبانی خداوند از کیخسرو و حفظ او در پناه خود، دلایل دیگری در تأیید پندارهٔ گیاه تباری سیاوش است (همان: ۲۳۸).

اسطوره‌ها، بن‌مایه و ریشه پنهان و قدیمی بسیاری از متون ادبی و داستانی به شمار می‌آیند، که داستان‌هایی هستند که از صورت شفاهی به صورت مکتوب ادبی نقل شده‌اند و راه داستان پردازی را برای امروز بشریت هموار نموده‌اند، که در باب پیوند متقابل فرهنگ شفاهی که اساطیر بخشی ناگسستنی از آن لحاظ می‌شود. لذا ولک با نظریه‌های ادبی چنین اذعان می‌کند؛ ما باید این نظر را بپذیریم که مطالعه فرهنگ شفاهی، بخش جدایی ناپذیر پژوهش ادبی، است؛ زیرا نمی‌توان آن را از مطالعه آثار مکتوب جدا کرد و بین ادبیات مکتوب و شفاهی، پیوسته تأثیر متقابلی وجود داشته است (ولک، ۱۳۷۳: ۴۲-۴۱).

با توجه به جایگزین شدن توتیمهای جدید (خورشید- شیر) بر توتیمهای قدیم (ماه - گاو) به نظر می‌رسد که بعدها این توتیم قدیم (گاو) جای خود را به توتیم جدید (سیاوش) داده است. ما نمی‌توانیم جایگاه توتیمی گاو یکتا آفریدهٔ نخستین را در فرهنگ هند و ایرانی نادیده بگیریم. زیرا تنها قداست و حرمت کشتن او در فرهنگ کهن این اقوام، کافی است که نقش توتیمی آن نادیده گرفته نشود. حرمت کشتن گاو، دلیلی بر نقش توتیمی آن در فرهنگ هند و ایرانی به شمار می‌آید. رابطهٔ متقابل میان توتیم و افراد قبیله، مبتنی بر حمایت آنها توسط روح حیوانی توتیمی و احترامی بود که در ازای این حمایت، نثار آن حیوان می‌کردند و به همین دلیل از کشتن آن - در صورتی که حیوان بود - یا از خوردن و چیدن آن - در صورتی که گیاه بود - پرهیز می‌کردند (شاله، ۱۳۴۶، ۱۲). خود فردوسی نیز در شاهنامه که متنی تقریباً تاریخی نسبت به اساطیر دارد، کشتن گاو و رز (گاو نری که در کشاورزی به کار گرفته می‌شود) و گاو زهی (ماده و زایا) را سبب گسستن فرّهٔ ایزدی می‌داند:

مریزید هم خون گاو و رز
 نباید ز بن کشت گاو زهی
 که ننگ است در گاو کشتن به مرز
 که از مرز بیرون شود فرهی
 به چشم خداوند خود خوار شد
 ز پیری مگر گاو بیکار شد

(فردوسی، ۱۸۵۷-۵۹/۲۵۲)

در اوستا و وداها، از خون گاو قربانی گیاهانی می‌روید. اقوام باستانی تزئین کردن معبد مهر را با گل و گیاه نیز، از تأثیر این قربانی مقدس می‌دانستند. در آئین مهرپرستی و مراحل تشرّف آن نیز، خون گاو قربانی از اهمیت والایی برخوردار است. در هفت مرحله تشرّف مهری، یکی «پارسی» است که مناسبت خاصی با میترا دارد و نشانه آن داس است. او دروگری ایزدی است و خرمنی را به خانه می‌برد که حاصل مغز و خون گاو قربانی است (ورمازرن، ۱۳۷۲: ۱۸۱).

فردوسی به خوبی از اهمیت گاو یکتا آفریده در فرهنگ باستانی ایران مطلع بوده است و به اغلب توت‌های باستانی و اساطیری ملی، در شاهنامه نقش انسانی داده است.

نماد گاو در آثار و نقوش برجسته تخت جمشید

نقش برجسته نوعی نقش‌پردازی روی سنگ است که در برخی موارد به آن سنگ‌نگاره هم می‌گویند. هر چند که این دو از هم متمایز هستند. نقش برجسته، تصاویری شامل بلندی و ارتفاع و بالاآمدگی هستند که ممکن است روی سنگ، فلز، گل و یا عاج ایجاد شوند (دادور و غربی، ۱۳۹۱: ۱۷). بیش از ۳۰۰۰ نقش برجسته بر روی ساختمانها و مقبره‌های تخت جمشید حجاری و ایجاد شده است که فقط در محوطه پلکان کاخ آپادانا در حدود ۴۰۰ نقش برجسته وجود دارد. در سایر بناهای هخامنشی هم نقوش کمی وجود دارد. ۳۲ نقش در پاسارگاد، ۱۴ نقش در بیستون، ۸ نقش در ستون یادبود سنگی کانال سوئز مصر که به وسیله داریوش اول ساخته شده، و تعداد کمی هم در شوش، بابل و تل حکوان، حتی اگر این امکان در نظر گرفته شود که تعداد بیشتری از این نقوش از بین رفته باشند، بنابراین نمی‌توان تصور کرد که قبل از ساختن تخت جمشید صنعت پیکرتراشی و حجاری قابل ملاحظه‌ای در پارس وجود داشته است. نقوش برجسته تخت جمشید یکی از مهم‌ترین یادگارهای دوره هخامنشی در ایران به شمار می‌رود که به مثابه چکیده‌ای از هنر، معماری، سیاست، اقتصاد و مدیریت این دوره درخشان از تاریخ ایران توجه دانشمندان علوم مختلف را به خود جلب کرده است. این نقوش، به واسطه ماهیت تاریخی خود، به عنوان یک منبع موثق برای تحلیل بسیاری از مسایل مدیریتی امپراتوری هخامنشی، واجد اهمیت فراوانی هستند. از منظر گونه شناسی، یکی از گروه‌های چندگانه نقوش برجسته تخت جمشید نقوش انسانی است. بررسی این گروه مستلزم تعریف معیاری است که در میان نقوش صحیح و سالم در تخت جمشید وجود دارد. برخی از نقوش برجسته تخت جمشید دچار نواقص و ناهمخوانی‌هایی در بازنمایی شده‌اند که هر قسمت از این نقایص به یک یا چند عامل وابسته است. حجار و طراح از مهم‌ترین عوامل این ناهمخوانی‌ها و نقایص به شمار می‌روند. تغییرات سبکی و گذر زمان نیز مزید بر علت شده و در بروز این ناهمخوانی‌ها در نحوه بازنمایی نقوش مذکور تأثیرگذار بوده‌اند. آنچه اهمیت دارد موظف کردن حجار به تولید برخی

از نقوش تکراری بوده که منجر به پدید آمدن نقوشی با ظاهری مشابه ولی درعین حال متفاوت از هم گردیده است که با تأمل دقیق در آنها می توان تفاوت ها و حتی ناهمخوانی های موجود را دریافت. در کل ناهمخوانی های موجود میان نقوش برجسته تخت جمشید نشان از یک نظام پیچیده مدیریتی دارد که در لابه لای آن، به واسطه نبود سازماندهی یکپارچه، دچار ناهماهنگی پنهان بوده است. این ناهماهنگی در قالب ناهمخوانی در بازنمایی نقوش برجسته بروز یافته است.

"در آیین مهرپرستی ایران، میترا گاو نر را می کشد. کشتن گاو غالباً به معنی آفرینش تعبیر شده است. نیروهای خیر (که به صورت سگ مجسم شده اند) و نیروهای شر (که به صورت مار و کژدم مجسم گشته اند) بر سر چشمه ی حیات، یعنی خون و نطفه ی زندگی بخش گاو، می جنگد و سرانجام پیروزی خیر، محقق می گردد." (هینلز، ۱۳۸۱: ۱۲۵) (تصویر ۱)



تصویر ۱: نقش برجسته حالات میترا در صحنه قربانی گاو در موزه بریتانیا. ماخذ: (CUMONT, ۱۹۵۶: ۲۲)

نماد گاو در آثار تخت جمشید به وفور و با معانی مختلفی استفاده شده است. یکی از تصاویر نمادین در نقوش برجسته تخت جمشید نبرد گاو و شیر است. (تصویر ۲) این نقوش نمادی از چیرگی و نبرد اعتدال بهاری بر سرمای زمستان و همچنین تحویل سال و نوروز است (Sathe, ۲۰۱۲: ۷۹).

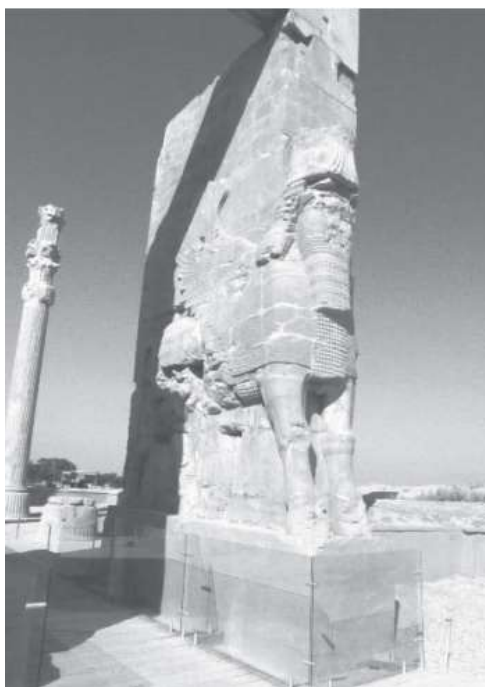


تصویر ۲: نبرد شیر و گاو. پلکان شرقی آپادانای تخت جمشید. نمادی از ستیز فصل‌ها. (هینلز، ۱۳۷۴: ۱۵۶)

گاو در ایران جنبه‌ی نمادین، آرمانی و عظمت دارد. در تمدن ایران گاو در حال مبارزه با دنیای مادی و رسیدن به دنیای معنوی است. به طور کلی، گاو در اساطیر ایران نماد باروری و باران است. گاو در ایران تجلی ایزدان است. این حیوان در ایران، منشاء پیدایش حیوانات و گیاهان، و شاخ‌های آن نماد ماه است.

در اساطیر سومری، هم گاو نقش مهمی را ایفا می‌کند. علاوه بر این نماد گاو در اساطیر کهن و آثار باستانی خاورمیانه، یونان، رم، هندوستان و مصر نماد قدرت و تولیدمثل است. در نقوش برجسته تخت جمشید گاو نر دارای سر آدمی و بال دیده می‌شود، این نماد حفاظت و نگهبانی را داشت (Ibid: ۸۱). همچنین در دروازه شرقی کاخ ملل تخت جمشید نیز نقوش با گاو بالدار مشاهده می‌شود (Ibid: ۷۹).

از دیگر نمادهای گاو در تخت جمشید، انسان - گاو بالدار تخت جمشید است. صفت عظیم تخت جمشید در مردشت واقع شده که مشرف به کوه رحمت است (گیرشمن و هرتسفلد، ۱۳۷۹: ۴). در تخت جمشید، انسان - گاو بالدار در دو طرف دروازه بزرگ، به سمت تالار صد ستون قرار دارد. (تصویر ۳) همچنین، روی ستون‌های تالار سه دروازه (Schmidt, ۱۹۳۹: ۲) و یک ردیف از دو ردیف هشت ستونی ایوان تالار صد ستون جای گرفته است. (پایگاه میراث جهانی پارسه پاسارگاد، ۱۳۹۱)



تصویر ۳: گاو بالدار سر انسان. درگاه شرقی تالار ورودی. نمایش گاو با سیمای انسانی، با وقار، ابهت، جلال و شکوه. (فرزان فر، ۱۳۹۲: ۳۶).
 انسان - گاو بالدار تخت جمشید، از چندین قطعه سنگ حجاری شده تشکیل یافته است. ارتفاع آن ها در ورودی حدود ۱۱۰ سانتی متر (Ritter, ۲۰۱۰: ۳) و ارتفاع انسان - گاو بالدار سرستون حدود ۱۰ سانتی متر است (کاتالوگ موزه ایران باستان، ۱۳۹۱).

انسان گاو بالدار تخت جمشید، همان گونه که در تصویر مشهود است، گاو نری با چهار پا است که دو پای جلو آن در حالت ایستاده و دو پای عقبی آن در حالت راه رفتن حجاری شده است (شهبازی، ۱۳۷۵: ۲۷).

در هنر ایران باستان جنبه ی عظمت و شکوه بسیار قابل توجه و بارز است. همانطور که در نقش برجسته های هخامنشی دیده می شود؛ در اینجا، گاو با سیمای انسانی و با وقار، ابهت، جلال، شکوه و حالتی مرموز و تلفیقی نمایش داده شده است. (تصویر ۴)



تصویر ۴: انسان - گاو بالدار. مأخذ: (موزه لوور)

هیكل متشخص گاو بالدار با سنگینی و وقار بی نظیرش بی اختیار بیننده را متوجه عظمت و اقتدار نامرئی حکومت شاهنشاهی می کند. گویا این نقش مشخص این حکومت جهانی عصر باستان است، در سنت های آیین زرتشتی، گاو علامت نخستین و برجسته قدرت بخشنده و مردم نواز روح جهانی است. (در اوستا گه واش اوروا و در پهلوی گاو یوداد (Geus - Urva - Gavyodad)

در اساطیر ایران موجود دیگری که شباهت به انسان - گاو بالدار دارد، گوپت شاه است. در توصیف آن گفته شده که نیمی از او انسان و نیمی گاو است. گوپت شاه نیز با وظیفه حفاظت همراه است و می توان آن را حافظ برکت به واسطه حفاظت از سریشوک دانست. تیشتر که شکل شمایی ثابتی ندارد با هیبت های گاو و مرد و در حال پرواز توصیف می شود. او نیز از ویژگی های برکت و حفاظت برخوردار است. در اساطیر ایران گوپت شاه از سریشوک مراقبت می کند. (هینلز، ۱۳۸۱: ۳۱). چرا که در پایان جهان گاو هدیوش (سریشوک) که مقدس و نمادی دیگر از گاو یکتا آفریده است، به دست سوشیانس (میترا) کشته شده و از پیه یا چربی اش شربت جاودانگی حیات برای سالکان راستین تهیه می شود سالکان آن را می نوشند و پس از تن پسین و رستاخیز جاویدان می شوند و به گاو یکتا آفریده پیوسته و یکی می شوند.

در رابطه با انسان - گاو بالدار در اساطیر ایران، هینلز اینگونه بیان می کند که؛ "در افسانه ها و روایت های ایرانی از گاو بالدار نشانی نیست و تنها در نقش های تخت جمشید و دیگر نقش ها است که این گاو دیده می شود. همچنین، ممکن است این نقش ها برگرفته از اساطیر میان رودان و آشور باشد." (هینلز، ۱۳۸۱: ۴۵۸)

در تخت جمشید جدا از انسان - گاوهای بالدار ورودی، نمونه ای به شکل سر ستون ها وجود دارد که احتمالاً به صورت تزئینی داخل کاخ قرار داشته است. (تصویر ۵)

در تخت جمشید علاوه بر انسان - گاو بالدار، پیکره های سنگی گاو نیز در درگاه ها قرار دارد. برای رسیدن به تالار صد ستون "که خشایارشا برای مراسم اصطلاحا هدیه آوران تهیه کرد." (توانگر زمین، ۱۳۹۰: ۱۰۵)، باید از مسیر گاوها و انسان - گاوهای بالدار درگاه ها گذر کرد. در بعضی سرستون ها، نیمه انسان - گاو بالدار، پشت به هم قرار گرفته و تیرک های سقف بر پشت آن ها سوار بوده است.



تصویر ۵: سرستون با نقش گاو، تخت جمشید. نقش گاو در سرستون های تخت جمشید بیشترین کاربرد را داشته است. ماخذ

www.wikipedia.org

در سرستون گاو تخت جمشید، سر گاوها در هیبتی درباری و هخامنشی و با صلابت و عظمت مجسم شده است. حضور این موجود به عنوان سرستون، همراهی و حضور وی در این مکان را نمایش می دهد.

از آنجا که؛ گاو در فرهنگ ایران باستان نماد برکت محسوب می شود. علت قرارگیری گاوها در تخت جمشید می تواند خواستاری برای برکت از اهورامزدا باشد. به بیان دیگر تمثالی برای ورود برکت به سرزمین ایران که تخت جمشید سمبل این سرزمین است. ...

یکی دیگر از نقش های مکرر در تخت جمشید، صفی از شیران و گاوان است (تصویر ۶) که به دنبال هم یا یک در میان ره می سپارند. طراحی آن ها مجموعه ای منسجم از خطوط منحنی و نرم می باشند که به روانی و سیالی دلپذیری کشیده و اندام و بافت های اصلی جسیم و قدرت بدنی تنومند آن ها را به نمایش گذارده است. گام های سنگین و سرشار از انرژی و توان ره پویی و دم های در اهتزاز آن ها به همراه غرش شیر و فروتنی گاو با فواصل منظم و حساب شده، آهنگی متوازن به وجود آورده است. (آخوندی؛ افهمی؛ پورمند، ۱۳۹۷: ۷۷)



تصویر ۶: صف شیران و گاوان. تخت جمشید. از نقوش برجسته تخت جمشید، صفی از شیران و گاوان است که به دنبال هم ره می سپارند. (دویتز، ۱۳۷۷: ۸۲)

همانطور که گفته شد گاو در اساطیر کهن نماد قربانی کردن بوده است. قربانی کردن جانوران سنتی با ریشه های نمادین بود. در نقوش تخت جمشید تصویری از میترا، که گاو را قربانی کرده، سپس خوشه های گندمی را نشان می دهد که از خون گاو جوانه می زند (Ibid: ۷۹). بنابراین می توان گفت گاو موجودی بی گناه بوده که برای تکامل دیگر موجودات قربانی می شود. در دوران باستان، بسیاری از ظروف میگساری و ریتون ها را به شکل سر گاو درست می کردند و بر این باور بودند که نیروی درون آن به کسی که آن را می نوشد، انتقال می یابد (Ibid: ۸۰). گاو نخستین یکتا آفریده است. با این که این گاو موجودی بی آزار و زیبا قلمداد شده است اما در نهایت باید قربانی شود تا از خون و اعضای بدن او، دنیای نباتی و سپس دنیای جانوری خلق شود و حیات آغاز گردد. به همان شکل سیاوش نیز شخصیت مثبتی است که روح آزاده و جوانمردی دارد، مظلوم است و مظلومانه و بیگناه می میرد. اگر چه مرگ او باعث آغاز جنگ هایی دراز مدت بین دوسرزمین ایران و توران می شود و کینه توزی هایی به دنبال دارد اما در حقیقت با مرگ او به نوعی پیروزی ایرانیان رقم می خورد. از خون او گیاه مقدس خون سیاوشان می روید که با دنیای نباتی، خدایان شهید شونده عصر کشاورزی و رویش و زایش ارتباط دارد.

نتیجه گیری

با توجه به آنچه گذشت به نظر می رسد که گاو قربانی نخستین با رویکرد به باورهایی که از گذشته تاکنون نسبت به این جانور اساطیری و پیشینه اساطیری و تاریخی آن در زندگی اقوام بشری و نقش توتمی آن به عنوان سمبل حیات و برکت و فراوانی که در فرهنگ های گوناگون به آن اشاره شده است، با سیاوش به عنوان مظلومترین و دوست داشتنی ترین پهلوان شاهنامه تقریباً مشابه و یکسان است. شاید برای آنکه درخت خوبی از خشکیده شدن در امان بماند، گاهگاهی باید خون یکی از مظلومترین و بیگانه ترین موجودات اهورایی و نیک آفریده، ریخته شود. سیاوش نیز،

اگر چه در زندگی دنیوی حق او ضایع می‌شود و در ظاهر به او ظلم می‌شود، اگر چه در زندگی سیاوش موهبت‌ها و فضیلت‌های فرد در رویارویی با جهان و اجتماع لگدمال می‌شود، ولی در مرگ او همان موهبت‌ها و فضیلت‌ها، گردش روزگار را دگرگون می‌سازد و در اینجا مرگ از زندگی تواناتر است.

اگر چه فردوسی سیاوش را در قالب داستانی عاشقانه با سودابه مطرح می‌کند اما اگر به خوبی مشاهده شود در اغلب متون اساطیری و تاریخی گذشته به غیر از متن کهن بندهشن، نامی از سودابه همسر کیکاووس که منشأ اصلی داستان سیاوش در شاهنامه است، برده نمی‌شود تا اینکه از سال ۸۴۰ میلادی به بعد اندک اندک سیمای سودابه شکل می‌گیرد و در شاهنامه فردوسی و تاریخ غررالسیر ثعالبی این زن ظاهر می‌شود که نشان می‌دهد داستان سیاوش علاوه بر ماجراهای عاشقی سودابه و عشق او به سیاوش، پیشینه کیهان شناسی در اساطیر ملی باستانی دارد و از این جهت است که در بیشتر متون کهن برای او ارزش و جایگاه والایی در نظر گرفته شده‌است، زیرا او با رویش و دگرگونی و تکامل زندگی بشری پیوند خورده‌است. شخصیت سیاوش را می‌توان در مفهوم اساطیری، آفریده‌ای دانست مینوی که فرّ ایزدی دارد و برای وظیفه‌ای معین، پا به عرصه گیتی گذاشته است. او هم به عنوان شخصیتی ایزدی که نماد بغان باستانی است، مطرح می‌شود و از جنبه‌ای دیگر در نگاه اساطیری، سمبل ایزد غلّه و گیاهی است که از این دیدگاه بنا بر آنچه که گذشت، شخصیت او را می‌توان با تموز، ایزد شهید شده بین‌النهرینی مقایسه کرد. ریشه و بن‌مایه مرگ سیاوش و ریختن خون او بر روی زمین و روییدن گیاه از خون او را میتوان برگرفته از ایدئولوژی ایرانیان در مورد نخستین گیاه یا نخستین زوج بشری و به نوعی قدیمی تر، و باوری کهن، قربانی کردن گاو یکتا آفریده نخستین، قلمداد کرد. به زبانی دیگر سیاوش و ریختن خون او بر زمین به دنیای نباتی مربوط است و در این صورت خود سیاوش به نوعی سمبل و توتّم ملموس شده اسطوره باستانی گاو قربانی محسوب می‌شود که خلق دنیای نباتی و جانوری را به دنبال دارد. به طور کلی می‌توان اینگونه گفت: بن‌مایه‌های مشترکی که در مورد اساطیر مربوط به نخستین انسان در میان اقوام مختلف وجود دارد، در حقیقت به اصل قربانی شدن و گیاه تباری آنها توجه دارد که این خود از قویترین دلایلی است که نخستین انسان بودن سیاوش و نقش تبدیل شده گاو یکتا آفریده نخستین در قالب شخصیت سیاوش را تأیید می‌کند.

فهرست منابع و مآخذ

کتاب‌ها

- الیاده، میرچا (۱۳۷۶)، رساله در تاریخ ادیان، ترجمه جلال ستاری، چاپ دوم، تهران: سروش.
- انجوی شیرازی، ابوالقاسم (۱۳۶۳)، فردوسی نامه (مردم و فردوسی)، ج ۱ و ۲، چاپ دوم، انتشارات علمی بهار، مهرداد (۱۳۵۲)، اساطیر ایران، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- توانگرزمین، محمد کاظم (۱۳۹۰)، تخت جمشید از آغاز تا فرجام، چاپ چهارم، شیراز: تخت جمشید.
- ثعالبی نیشابوری، عبدالملک بن محمد بن اسماعیل (۱۳۶۸)، تاریخ ثعالبی (غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم)، پاره نخست: ایران باستان، ترجمه محمد فضایی، تهران: نشر قطره.
- دادگی، فرنبغ (۱۳۶۹)، بندهشن، ترجمه مهرداد بهار، تهران: توس.
- زمردی، حمیرا (۱۳۸۵)، نقد تطبیقی ادیان و اساطیر در شاهنامه فردوسی، خمسه نظامی و منطق الطیر، تهران: انتشارات زوآر.
- سرخوش کرتیس، وستا (۱۳۷۳)، اسطوره‌های ایرانی، ترجمه عباس مخبر، تهران: مرکز.
- شاله، فلیسین (۱۳۴۶)، تاریخ مختصر ادیان بزرگ، ترجمه منوچهر خدایارمجبی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شهبازی، شاپور، (۱۳۷۵)، شرح مصور تخت جمشید، چاپ دوم، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- صداقت‌نژاد، جمشید (۱۳۷۴)، طومار کهن شاهنامه فردوسی، تهران: دنیای کتاب.
- عطایی، امید (۱۳۷۶)، آفرینش خدایان: راز داستان‌های اوستایی، نشر عطایی، تهران.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۷۸)، شاهنامه، تحت نظری ۱. برتلس، (براساس نسخه مسکو) تهران: انتشارات بدیهه.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۹)، شاهنامه، تصحیح جلال خالقی مطلق، دفتر دوم، چاپ سوم، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- کاتالوگ موزه ایران باستان، (۱۳۹۱)، آرشیو موزه ملی، تهران: موزه ملی.
- کارنوی، ۱. جی (۱۳۴۱)، اساطیر ایرانی، ترجمه دکتر احمد طباطبایی، تبریز: انتشارات کتابفروشی اپیکور.
- کرتیس، وستاسر خوش (۱۳۸۱)، اسطوره‌های ایرانی، ترجمه ی عباس مخبر، انتشارات مرکز، تهران
- کریستین سن، آرتور (۱۳۴۵)، کیانیان، ترجمه دکتر ذبیح الله صفا، تهران.
- کریستین سن، آرتور (۱۳۹۳)، نمونه‌های نخستین انسان و نخستین شهریار در تاریخ افسانه‌های ایرانیان، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران: انتشارات چشمه.
- کزازی، میر جلال الدین (۱۳۷۲)، رؤیا، حماسه، اسطوره. تهران: نشر مرکز.
- کوپ، لارنس (۱۳۸۴)، اسطوره، ترجمه محمد دهقانی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- گیرشمن، رومن و هرتسفلد، ارنست (۱۳۷۹)، پرسپولیس پایتخت هخامنشی، چاپ دوم، تهران: فرهنگسرای میردشتی
- معصومی، غلامرضا (۱۳۸۸)، دایرة المعارف اساطیر و آیین‌های باستان جهان، تهران: سوره مهر.
- ورمازن، مارتن یوزف (۱۳۷۲)، آیین میترا، ترجمه بزرگ نادرزاد، تهران: نشر چشمه.
- هینلز، جان (۱۳۸۱)، شناخت اساطیر ایران، مترجمان ژاله آموزگار و احمد تفضلی، نشر چشمه، تهران.

مقاله‌ها

اکبری، فاطمه (۱۳۹۲)، خاستگاه آیینی داستان سوزن عیسی با رویکرد تطبیقی به اساطیر مصر و کیش مهر، (همایش شاهنامه و پژوهش‌های آیینی)، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی. صص ۱۰۲-۷۱

آخوندی، زهرا؛ افهمی، رضا؛ پورمند، حسن علی؛ مطالعه تطبیقی نمادها و نقش مایه های تزئینی تخت جمشید و دژ اربونی، پژوهش در هنر و علوم انسانی، تیر ۱۳۹۷، شماره ۱۱، صص ۷۵ - ۸

سرکاراتی، بهمن (۱۳۸۵)، بنیان اساطیری حماسه ملی ایران، سایه‌های شکارشده، برگزیده مقالات فارسی، تهران: انتشارات طهوری، چاپ دوم، زمستان، ۱۱۲ - ۷۱.

شکیبی ممتاز، نسرین (۱۳۸۹)، جایگاه سیاوش در اساطیر، پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی (علمی-پژوهشی)، دوره جدید، شماره ۱ (پیاپی ۵)، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، بهار.

کنعانی، ابراهیم (۱۳۹۲)، بررسی الگوی پری گونگی و نخستین انسان در شخصیت سیاوش (نگاهی تطبیقی به شاهنامه، متون تاریخی و فرهنگ عامه)، همایش شاهنامه و پژوهش‌های آیینی، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه فردوسی. صص ۲۴۸-۲۱۷

منابع انگلیسی:

- Brosius, Maria. ۲۰۰۶. People of the Ancient World, the Persians: an Introduction. London and New York: Routledge, Taylor and Francis Group.
- Campbell, J. (2017). Creative mythology (Vol. 4). Joseph Campbell Foundation.
- Cereti, C. G. (2015). Myths, Legends, Eschatologies. The Wiley Blackwell Companion to Zoroastrianism, 68, 259.
- Curtis, John & Nigel Tallis (eds.). ۲۰۰۵. Forgotten Empire, The World of Ancient Persian. London: The British Museum Press.
- Dadvar, A., & Rouzbahani, R. (2016). Role of Nature in Creation of Iranian Myths. Asian Social Science, 12(6). 123-131.
- Hall, J. 1996. Illustrated Dictionary of Symbols in Eastern and Western Art, Published by Westview Press, A Member of the Perseus Books Group, 257pp.
- McInerney, J. (2010). The cattle of the sun: cows and culture in the world of the ancient Greeks. Princeton University Press, Published by Princeton University Press, 41 William Street, 361pp.

Moradi, S. F., & Khorramshad, M. B. (2017). Myths and Archetypes in Ancient Iran and Its Impact on Power. *People: International Journal of Social Sciences*, 3(2). 672 – 681.

Ritter, N. (2010). Human-headed winged Bull. www.religionswissenschaft.unizh.ch.

Rose, J. (2019). Near Eastern and Old Iranian myths. In *Oxford Research Encyclopedia of Classics*.

Rostami, S. (2016). A Study on Symbols Roles in Shaping Appearances and Forms in Hand-Wovens of Kurdistan Province, Iran. *International Journal of Humanities and Cultural Studies (IJHCS) ISSN 2356-5926*, 2(3), 1086-1095.

Sathe, V. (2012). The Lion-Bull Motifs of Persepolis: The Zoogeographic Context. *Iranian Journal of Archaeological Studies*, 2(1), 75-85.

Schmidt, E. F. (1939). *The Treasury of Persepolis and Other Discoveries in the Homeland of the Achaemenid*. Chicago: Chicago University Press.

Sherwood, A. (2009). An Bó Bheannaithe: Cattle Symbolism in Traditional Irish Folklore, Myth, and Archaeology. *PSU McNair Scholars Online Journal*, 3(1), 21.

Silko, L. M. (۲۰۰۶). *Ceremony*. Penguin. Originally published: New York, ۲۱۱ pp.

منابع سایت:

www.Richardwoodfield.com

www.karnaval.ir/blog/bull-head-from-column-capital

www.metmuseum.org

منابع تصویری

دویتز، ورنر فلیکس، ماتیسون، سیلویا، پارسه (تخت جمشید)، تدوین فرامرز غنی، انتشارات یساولی، تهران، ۱۳۷۷.
 فرزانه فریبا (۱۳۹۲)، واکاوی نگاره و انگاره انسان - گاو بالدار در تخت جمشید و کاخ خرساباد، دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات تطبیقی هنر سال سوم شماره ششم، پاییز و زمستان ۱۳۹۲. صص ۳۱ - ۴۲
 هینلز، جان (۱۳۷۴)، ترجمه زاله آموزگار، احمد تفضلی، شناخت اساطیر ایران، چاپ دوازدهم، نشر چشمه

Cumont, Franz (1956), *The Mysterious of Mithra*, Dover Publications, New York.

wikipedia.org